

قیمت‌های فعلی برق نگران کننده است

سرمایه‌گذاری‌های جدید در صنعت برق بود که این موضوع موجب پس رفت این صنعت خواهد شد. به این معنی زمانی که وزارت نیرو نتواند دستمزد پیمانکاران و سازندگان خود را به موقع پرداخت کند، اجرای پروژه‌ها با تاخیر انجام می‌شود.

وی در توضیح بیشتر می‌گوید: یارانه‌هایی که هر ماه به مردم پرداخت می‌شود بخشی از آن را صنعت برق تامین می‌کند، در جایی دیگر دولت روی خود قیمت برق هم به مردم یارانه می‌دهد این سیستم در هم یارانه در یارانه سرمایه‌گذاری‌های جدید در صنعت برق را با مشکل روبه‌رو می‌کند. در واقع برای چنین وضعیتی فقط خود دولت می‌تواند سرمایه‌گذاری کند و نه بخش خصوصی و نه سرمایه گذار خارجی. چون وضعیت قیمت روشن نیست و بازار اصلی برق زیر فشار یارانه در یارانه له شده است. سرمایه‌گذاری دولتی هم که با کمبود شدید منابع حال و روزش مشخص است.

متوسط قیمت برق چگونه تعیین می‌شود؟



بنا بر این گزارش، مهندس شیرانی یکی از کارشناسان خبره در حوزه اقتصاد انرژی برق در این باره یک سوال طرح می‌کند که چرا متوسط قیمت برق اصلاً ۶۷ تومان است؟ چه کسی می‌تواند ثابت کند این نرخ ۶۷ تومان است؟ ما اطلاعات و مدارک درستی در دست نداریم، در این زمینه ابهام و تردید وجود دارد. چون این مسأله شفاف نیست، معمولاً اینگونه بحث می‌کنیم که ۳۰ درصد از مصرف برق خانگی است. ۴۰ درصد صنعتی و ۳۰ درصد کشاورزی است و به طور متوسط اعلام می‌کنیم قیمت برق ۶۷ تومان است. این در حالی است که می‌توان با وسواس بیشتری در این زمینه رفتار کرد. ما برخلاف همه دنیا برق صنعتی را گران‌تر می‌فروشیم و برق خانگی را ارزان‌تر؛ در حالی که این مدل باید برعکس باشد. مدل‌های ما اکنون به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست.

وی در ادامه ابراز می‌کند که راهکاری که برای این موضوع متصور



پس از تثبیت قیمت حامل‌های انرژی در سال ۱۳۸۳، مهر ثبات بر قیمت فروش برق زده شد در حالی که تورم رشد فزاینده داشت، دلار از هزار تومان به بیش از چهار هزار تومان رسید و تامین تجهیزات برق نیاز به سرمایه کلان داشت؛ در این بین روز به روز بر کوله‌بار بدهی وزارت نیرو افزوده شد و از توان پرداخت آن کم‌تاجایی که در دولت یازدهم پس از مذاکرات بسیار مقرر شد وزارت نیرو از پرداخت سهم هدفمندی یارانه‌ها به دولت معاف شود. هم‌اکنون قیمت تمام‌شده تولید برق به ۱۱۰ تومان بدون احتساب هزینه سوخت رسیده در حالی که به طور متوسط ۶۰ تومان از خریداران برق دریافت می‌شود البته مشترکین کشاورزی و روستایی نیز با تخفیف چشمگیر هر کیلووات ساعت برق را ۱۵۰ تومان می‌خرند. هزینه سوخت نیروگاه‌ها نیز که توسط دولت پرداخت می‌شود بستگی به نوع سوخت ۱۰۰ تا ۱۵۰ تومان می‌شود. ملاحظات دولت نسبت به توان معیشتی مردم در تصمیم‌گیری برای افزایش نرخ برق نیز در بیشتر شدن فاصله بین نرخ فروش و قیمت تمام‌شده تأثیر گذاشته و در نهایت با وجود پرداخت ۱۰ هزار میلیارد تومان از بدهی‌های وزارت نیرو به بخش برق، این وزارتخانه هنوز در این بخش بدهکاری هنگفتی دارد. امری که مسلماً در توان صنعت برق برای ادامه حیات تأثیر می‌گذارد و پیاده شدن طرح‌های توسعه‌ای آن را برای پاسخگویی به نیاز مصرف با چالش مواجه خواهد کرد. در ایران هر فرد ۱۴ درصد پول برق و ۸۶ درصد هزینه مخابرات پرداخت می‌کند. این در حالی است که در همه‌جا دنیا هزینه برق بیشتر از هزینه مخابرات است. در آمریکا هزینه برق ۶۵ درصد و هزینه مخابرات ۳۵ درصد است. در حالی که قیمت جهانی برق برای مصارف خانگی ۱۲ تا ۱۴ سنت و برای مصارف صنعتی ۷ سنت محاسبه می‌شود، قیمت ۲ سنتی برق در ایران موجب شده وزارت نیرو برای تامین هزینه‌های جاری خود نیز دچار مشکل شود.

مهندس مسعود حجت مدیرعامل پیشین شرکت مدیریت شبکه برق ایران معتقد است با قیمت‌های پایین برق نمی‌توان منتظر

ضعیف تر عمل کرده ایم. در واقع نرخ برق در سبد خانوار ایرانی یک درصد است. این آمار در رابطه با مخابرات حدود ۴-۳ درصد است. در دنیا با وجود مدیریت مصرفی که وجود دارد، برق حدود ۴-۳ درصد از سبد خانواده را تشکیل می دهد. باتوجه به این مثال ها افزایش قیمت برق بایستی به طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

نرخ برق در سال ۱۳۴۷ به طور متوسط ۹/۲ ریال برای هر کیلووات ساعت بود. اکنون این رقم به ۶۱۴ ریال رسیده است. یعنی نرخ برق در مدت حدود ۵۰ سال ۲۱۲ برابر شده است. در این مدت خودرو بیش از هزار برابر شده است. مثلاً خودرو پیکان در آن زمان ۲۱ هزار تومان بود و اکنون خودرو پراید بیش از ۲۱ میلیون تومان است.

حقوق کارمندان متخصص در آن زمان حدود ۲ هزار تومان بود و اکنون حدود ۲ میلیون تومان است؛ یعنی هزار برابر. حتی بلیت هواپیما اگر مثلاً آن زمان ۱۰۰ تومان بود اکنون ۱۷۰ هزار تومان است و این یعنی هزار و ۷۰۰ برابر رقم قبلی آن. این امر نشان می دهد که فعالان صنعت برق به درستی عمل نکرده و زیادی ملاحظت به خرج داده اند.

سنجش قیمت برق با دلار درست نیست

مبنای محاسبه قیمت برق مانند دیگر فرآورده های انرژی، دلار است و بر این اساس قیمت گذاری ها در مناطق مختلف دنیا مقایسه می شود. اما شیرانی منتقد این شیوه محاسبه است. وی معتقد است که: مقایسه قیمت برق در کشور ما با قیمت برق دنیا براساس شاخص دلار آزاد روش درستی نیست. حقوق کارمندان و مدیران نیز براساس شاخص دلار آزاد پرداخت نشده و طبق شاخص های کشور است. شاخصی که معمولاً در دنیا مورد استفاده قرار می گیرد، شاخص قدرت خرید است (PPP: Purchasing Power Parity) و بانک مرکزی مرتباً این شاخص را اعلام می کند. اگر ما بخواهیم خود را با کشورهای دیگر قیاس کنیم تا بدانیم باتوجه به سبد یک خارجی در چه جایگاهی قرار می گیریم، باید حقوق خود را بر این عدد تقسیم کنیم.

بر این اساس عددی که به دست خواهیم آورد خیلی از حقوق خارجی ها دور نیست؛ چرا که این رقم قدرت خرید، ارزش سنت را ۲/۶ برابر کم می کند. قیمت برق در آمریکا ۱۰ سنت است. اگر این رقم را تقسیم بر ۲/۶ کنیم، ۳/۴ سنت می شود و آنگاه قیمت برق آنها که حدود

است این است که یک نهاد قانونگذاری در مجموعه وزارت نیرو شکل بگیرد و استقلال خود را داشته باشد. هیأت دولت این مدل را در اسفند سال ۱۳۹۳ مصوب کرد تا مقدمات لازم برای ایجاد این نهاد رگولاتوری فراهم شود و فرجه ای ۶ تا ۷ ماهه برای آن تعیین کرد اما وزارت نیرو در این مدت با فراز و نشیب های زیادی مواجه شد و گمان می کنم هیچ اقدامی در این خصوص انجام نداد. تصور من این است که اگر چنین مرجعی شکل گیرد، شفافیت کار بسیار زیاد خواهد شد. در واقع مشکل اصلی خود وزارت نیرو است که نه اختیار لازم را دارد و نه به سمت تشکیل نهادی مرجع رفته است که قیمت برق آنجا تامین شود. مثلاً مخابرات این کار را کرده است و قیمت و تعرفه ها در یک شورا تعیین می شود اما قیمت برق باید به تصویب مجلس برسد. خوب در مجلس هم عموماً نماینده ها دنبال کاهش قیمت ها هستند تا بتوانند رای خود را حفظ کنند.

مقایسه قیمت برق با کشورهای همسایه

مسئله مهمی که در بررسی قیمت برق در کشور باید مورد توجه قرار گیرد نسبت این قیمت با قیمتی است که کشورهای همسایه به شهروندان خود می دهند، حجت در مقام مقایسه قیمت برق با کشورهای همسایه می گوید: فروش برق در کشورهای همسایه حدود بین ۷ تا ۱۰ سنت است. باید پذیرفت که مصرف کنندگان برق در این کشورها افرادی کم خرد نیستند که برق را با چنین قیمتی پذیرفته و خریداری می کنند؛ آنان می دانند قیمت برق همین است. در فرانسه به رغم اینکه نیروگاه اتمی برق رایج بهای ارزان تری تولید می کند، اما باز هم با این حال قیمت هر کیلووات ساعت برق حداقل ۵۶ یورو سنت حدود ۲۲۰ تومان - محاسبه می شود. ما با نگاه داشتن قیمت برق در ۲ سنت و بدون پرداخت یارانه، فاتحه صنعت برق را می خوانیم. هزینه جاری را اخذ می کنیم و نمی توانیم هزینه سرمایه گذاری و تعمیرات لازم را تامین کنیم. نیاز شدید داریم تا جمعی از اقتصاددانان گرد آمده و با تعیین قیمت درست، به داد صنعت برق برسند.

همچنین برای روشن شدن هزینه برق در سبد خانوار حجت آمار جالبی می دهد: در ایران هر فرد ۱۴ درصد پول برق و ۸۶ درصد هزینه مخابرات پرداخت می کند. این در حالی است که در همه جای دنیا هزینه برق بیشتر از هزینه مخابرات است. در آمریکا

هزینه برق ۶۵ درصد و هزینه مخابرات ۳۵ درصد است. در دانمارک این آمار برای برق ۵۴ درصد و برای مخابرات ۴۶ درصد است. در ژاپن برق ۵۹ و مخابرات ۴۱ درصد است. این نشان می دهد مادر مقایسه با وزارت مخابرات

مهندس حجت: در ایران هر فرد ۱۴ درصد پول برق و ۸۶ درصد هزینه مخابرات پرداخت می کند. این در حالی است که در همه جای دنیا هزینه برق بیشتر از هزینه مخابرات است



به سر می‌بریم. هدف فقط مصرف‌کننده است نه تولیدکننده



در حال حاضر هزینه تولید، انتقال و توزیع برق (بدون در نظر گرفتن هزینه سوخت فسیلی برای تولید برق) حدود ۱۰۰ تومان برای هر کیلووات ساعت و میانگین هزینه دریافتی از مردم حدود ۵۰ تومان برای هر کیلووات ساعت است. تفاوت هزینه تولید و پرداختی از سوی مشترکین به صورت یارانه پنهان از طرف دولت پرداخت می‌شود. بنا به گفته اسداله قره‌خانی سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس؛ قیمت برق در شرایط کنونی متناسب با هزینه‌های تمام شده آن نیست علت آن هم وضعیت نامناسب معیشتی مردم است که از قدرت مانور دولت برای افزایش قیمت کاسته و وزارت نیرو را در تنگنای عمل به تعهدات قرار داده و مانع از پیشرفت برنامه‌های این وزارتخانه در دراز مدت شده است.

اما علی‌دادپی اقتصاددان مقیم آمریکا معتقد است که شکاف در بهای برق (قیمت تمام شده و قیمت فروش) ناشی از عدم استفاده از حاشیه هزینه و مدل‌های نوسان در تقاضا برای قیمت گذاری در آن است. در واقع هدف بیشتر توزیع ارزان برق بوده است تا درآمدزایی. در نتیجه دسترسی به برق بیشتر به عنوان یک حق اجتماعی و یک تعهد دولتی نگاه می‌شود. برای بسیاری از قانونگذاران و اکثریت مصرف‌کنندگان افزایش بهای برق یک نوع خلف وعده به شمار می‌آید.

در حال حاضر هزینه تولید، انتقال و توزیع برق (بدون در نظر گرفتن هزینه سوخت فسیلی برای تولید برق) حدود ۱۰۰ تومان برای هر کیلووات ساعت و میانگین هزینه دریافتی از مردم حدود ۵۰ تومان برای هر کیلووات ساعت است. تفاوت هزینه تولید و پرداختی از سوی مشترکین به صورت یارانه پنهان از طرف دولت پرداخت می‌شود. اگر قیمت برق صادراتی به کشور عراق را در نظر بگیریم (۳۵۰ تومان) این اختلاف به ۳۰۰ تومان برای هر کیلووات ساعت

۱۰۰ تومان است، با قیمت برق ما چندان فاصله‌ای نمی‌گیرد. بنابراین در یک طیف قرار داریم و با قیمت برق آنها فاصله ۴۰۰-۳۰۰ تومانی نداریم. البته من هم معتقدم قیمت برق قابلیت افزایش دارد؛ ولی این بحثی دوطرفه است. ما باید به‌طور همزمان سه برنامه را دنبال کنیم.

وی در توضیح برنامه‌های مورد نظرش ادامه داد که: یکی از این برنامه‌ها این است که اگر شهروند به صنعت برق پولی پرداخت کرده است، این پول نباید به صنایع دیگر برود؛ بلکه باید صرف خود صنعت شود. نیروگاه‌هایی که وزارت نیرو به دلیل بدهی‌های دولت به برخی بخش‌ها واگذار کرد، در معامله‌های بعدی به یک‌وونیم یا دو برابر قیمت فروش رفت و تازه برای بار سوم نیز با قیمتی گزاف معامله شد. سوال این است که این منابع از جیب چه کسی رفت؟ اگر آن منابع به صنعت برق بازمی‌گشت، تاکنون بسیاری از مشکلات صنعت برق حل شده بود.

نکته بعدی بحث بهره‌وری است. طبق آمار جهانی تعداد پرسنلی که در سال ۱۹۹۹ در صنعت برق ایران کار می‌کردند، حدود ۵۲ هزار نفر اعلام شده است. نکته جالب اینجاست که طبق آماري که توانیر در سال ۱۳۹۱ یا ۱۳۹۲ منتشر کرد، تعداد پرسنل ۴۸ هزار نفر اعلام شده است. این آمار نشان می‌دهد به رغم ظرفیت ۱۵ هزار مگاواتی که در آن زمان داشتیم و در سال‌های اخیر به ۷۰ هزار مگاوات رسیده است، تعداد پرسنل ما افزایش متناسب را نداشته است.

شیرانی در پایان می‌گوید که: نکته دیگر در رابطه با انرژی‌های تجدیدپذیر است. ما به قبض‌های برق خود هزینه‌ای را به نام سرمایه‌گذاری برای خرید برق انرژی‌های تجدیدپذیر اضافه کرده‌ایم. دولت نیز وظیفه دارد برای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در آینده برنامه‌ریزی‌هایی انجام دهد.

در تمام کشورها دولت‌ها در ابتدا حمایت‌هایی از انرژی‌های جدید می‌کنند تا آنها کمی تجاری شوند و آنگاه برای رقابت وارد بازار شوند. اخیراً در آلمان برق یک روز کشور به‌طور کامل از انرژی‌های تجدیدپذیر تامین شد. در دانمارک نیز اخیراً چهار روز پیوسته برق کشور از انرژی‌های تجدیدپذیر تامین شد. ولی پس از آن اعلام کردند دوره حمایتی تمام شده و دیگر باید وارد بورس و بازار برق شوند. احتمالاً هزینه‌های حمایت‌ها نیز از طریق بودجه تامین شده است.

در انتهای این گزارش این گفته مهندس حجت به نظر آینده صنعت برق را با این قیمت‌ها و تعرفه‌ها روشن می‌کند: اگر این ثبات در قیمت برق ادامه یابد، پویایی در این صنعت از بین خواهد رفت. بسیاری از پیمانکاران برقی اکنون به پیمانکاری برای نفت یا حوزه‌های دیگر روی آورده‌اند و این اصلاً خوب نیست. تأسیسات صنعت برق بایستی توسعه یابد و نمی‌تواند بدون تغییر و تعویض باقی بماند. اکنون پست‌های برق، کابل‌های توزیع و خطوط انتقال باید نوسازی و تقویت شود. کار سنگینی داریم و در غفلت



بر اساس آن تعریف کند. در قیمت گذاری نه تنها از نوسان در تقاضا استفاده می شود بلکه از تعرفه گذاری برای گروههای مختلف مصرفی، تشویق استفاده از لامپهای کم مصرف، عایق بندی و سایر رفتارهای مصرف بهینه هم استفاده می شود. رفتار حمایتی شامل همه جامعه هم نمی شود. به عنوان مثال شرکت هایی هستند که از مشترکانشان می خواهند در صورتی که با مشکل مالی مواجه هستند به آنها اطلاع دهند. یا از قطع برق مشترکان در زمستان خودداری می کنند. ولی این گروه کوچکی از جامعه است نه همه جامعه. در شیوه فعلی فروش برق در کشور در واقع رانت مصرف برق توزیع می شود و به جای درآمدزایی تنها زیان انباشته تولید کرده و می کند.

مشکل اصلی شکاف بین قیمت تمام شده برق و قیمت فروش است

این سخنان در حالی است که حبیب الله بیطرف وزیر نیروی دولت اصلاحات گفته است که متأسفانه دولت یازدهم تنها روی کاهش تورم تمرکز کرده است و به رکود توجهی نمی کند. برای آنکه تورم افزایش نیابد، از افزایش قیمت فروش برق خودداری می کند اما این امر مشکلات جبران ناپذیری ایجاد کرده است. اقتصاد باید به صورت یک بسته به هم پیوسته دیده شود. این مسائل با مدیریت اقتصادی درست قابل حل خواهد بود. دولت باید از منابع صنعت برق برای پرداخت یارانه صرف نظر کند. اساساً پرداخت یارانه باید از محل وضع عوارض به قیمت حامل های انرژی علاوه بر قیمت محاسباتی به دست می آمد؛ نه آنکه

خواهد رسید. اگرچه تعرفه های برق پلکانی هستند اما نکته قابل توجه این است که به تمام پلکان های برق یارانه تعلق می گیرد و در نتیجه مصرف برق بیشتر با دریافت یارانه پنهان بیشتر همراه خواهند بود. همانطور که گفته شد در شرایط کنونی ارزش هر کیلووات ساعت برق صادراتی ۳۵۰ تومان است در حالی که پله آخر تعرفه برق خانگی پس از افزایش قیمت در سال ۹۴ به ۲۹۳ تومان رسیده است که از ارزش صادراتی آن حدود ۶۰ تومان ارزان تر است. در این شرایط مشترکین برق خانگی هر چه بیشتر مصرف کنند، از یارانه آن بیشتر بهره مند می شوند! بر اساس محاسبات، پر مصرف ترین مشترکین خانگی ماهانه بیش از ۱۳۰ هزار تومان از یارانه پنهان برق استفاده می کند که بسیار بیشتر از یارانه پنهان مشترکین کم مصرف است

البته به اعتقاد قره خانی واقعی شدن قیمت برق یک فرایند تدریجی است و باید بر اساس وضعیت اقتصادی مردم و در یک دوره خاص زمانی محقق شود حال سیستم این افزایش خواه پلکانی باشد یا هر سیستم دیگر.

اتفاقا برق اصلاً ارزان نیست!

کوروش کرم پور دبیر کمیسیون انرژی اما اعتقادی به ارزان بودن قیمت برق ندارد. وی معتقد است که مطابق وضعیت معیشتی مردم نمی توان گفت که قیمت برق پایین است چرا که اولین افزایش غیر تدریجی قیمت برق وضعیت اقتصادی اقشار کم درآمد را تحت تاثیر قرار می دهد، بنابراین دولت برای واقعی کردن قیمت حامل های انرژی باید به دنبال راهکار دیگری باشد، تا به این صورت اقشار کم درآمد از آسیب های ناشی از افزایش قیمت ها در حاشیه قرار گیرند. به گفته وی می توان با استفاده از سبک های مدیریتی کارآمد و استفاده از تکنولوژی های روز از هزینه های قیمت تمام شده برق است. اما علی دادپی اقتصاد دان مخالف این دیدگاه است، وی با توجه به تجربه جهانی بازار برق می گوید: در همه جای دنیا برق توسط شرکت هایی تولید و توزیع می شود که هدفشان فقط درآمدزایی است.

این شرکت ها حداقل می کوشند هزینه تولید و توزیع را از مصرف کنندگان دریافت کنند. در نتیجه قیمت یک سیگنال هزینه است که مصرف کننده رفتار خود را می تواند

قره خانی: واقعی شدن قیمت برق یک فرایند تدریجی است و باید بر اساس وضعیت اقتصادی مردم و در یک دوره خاص زمانی محقق شود حال سیستم این افزایش خواه پلکانی باشد یا هر سیستم دیگر



کرم پور می گوید: دولت اگر می خواهد قیمت برق واقعی شود نخست باید فرایندهای مدیریتی را به روز کند و با مسلح کردن صنعت برق به آخرین تکنولوژی های روز میزان قیمت تمام شده برق را کاهش دهد. وی در مورد نحوه نظارت مجلس بر عملکردهای عملیاتی دولت تصریح می کند: مجلس فقط می تواند مانع اجرای کارهای اضافی دولت شود. و نمی تواند در کارهای اجرایی ورود پیدا کند. به گفته وی سرمایه گذاری حتی با قیمت های پایین کنونی برای سرمایه گذار جذاب بوده و این صنعت در سال های آتی مشکلی از نظر جذب سرمایه گذاری و در نتیجه اجرای طرح های توسعه ای نخواهد داشت.

انرژی، یک نگرانی جهانی



اما علی دادپی پرسش جالبی را پیش می کشد، وی می پرسد که جالب نیست که در ایران برق صنعتی گران تر از برق خانگی است؟ و جوابی که خودش به این پرسش می دهد: این نکته بسیار جالبی است که نشان می دهد هدف از یارانه ها و برق ارزان در کشور ما به ندرت حمایت از تولیدکننده است. یارانه ها در واقع رانتی است برای مصرف کننده، برق ارزان برای تولیدکننده استارت آپ ها، کشاورزان و دامداران توجیه دارد نه برای خانه هایی که عایق بندی نشده اند و در زمستان و تابستان یا به شدت گرم یا به شدت سرد داشته می شوند. نکته دیگر در این قیمت گذاری این است: مصرف برق صنعتی معمولاً یکنواخت و قابل پیش بینی است. حال آنکه مصرف برق خانگی به دلیل استفاده متغیر از وسایل و لوازم الکترونیکی در ساعات مختلف نوسانات متنوبی را تجربه می کند. در حالی که انرژی یک نگرانی جهانی شده است جالب است که ورای تشویق های فرهنگی هیچ استفاده ای از نظام قیمت گذاری برای بهینه سازی مصرف برق در کشور نمی شود. برق ارزان یک حق نیست، حتی یک موهبت هم نیست.



رمق صنعت را برای پرداخت یارانه بگیرند. اگر این فرایند اصلاح شود، صنعت برق جان تازه ای خواهد گرفت و می تواند بدهی های خود را به شرکت ها و کارخانجات طرف قرارداد خود پرداخت کند. البته مشکل تنها محدود به یارانه نیست؛ چراکه بنابر آماري که داده می شود تنها ۱۰ تومان از قیمت هر کیلووات ساعت برق به یارانه اختصاص داده می شود. مشکل اصلی شکاف بین قیمت تمام شده برق و قیمت فروش آن است که حتی با حذف یارانه باز هم پر نخواهد شد.

مجلس موافق واقعی شدن قیمت

اما به مجلس برگردیم از قره خانی می پرسیم که مجلس چه عملکردی برای بهبود قیمت برق می تواند در پیش گیرد؟ که وی می گوید: مجلس موافق واقعی شدن قیمت برق است برای این منظور و تسهیل اجرای واقعی شدن قیمت حامل ها به خصوص برق قوانین متعددی وضع شده است. باید توجه داشت که مجلس نهاد قانونگذاری و نظارت است نه اجرایی. بنابراین در این مورد این اراده دولت است که تعیین می کند چه قانونی پس از تایید ما اجرا شود. به این معنی که نوع مصوبه هایی که از سوی دولت در مجلس ارائه می شود در عملیاتی شدن آن نقش موثری دارد.

قره خانی معتقد است که هستند سرمایه گذارانی که حتی در شرایط کنونی و با قیمت های پایین برق به ان صنعت ورود پیدا می کنند چرا که آنان خوراک گاز و حتی مایع را خریداری نمی کنند و قیمت صفر خرید خوراک موجب می شود قیمت تمام شده به خودی خود کاهش یابد که اگر با قطع پرداخت یارانه نیز همراه شود قیمت ها کاملاً واقعی می شود. از این رو به نظر نمی رسد مشکل خاصی پیش پای سرمایه گذار باشد. کرم پور اما معتقد است که دولت باید فکری به حال کوچک سازی وزارتخانه ها و سازمان های درون سازمانی وزارت نیرو کند تا با کاهش هزینه های جانبی قیمت تمام شده برق پایین آید.